



و مسائل قوم‌شناسی و تیره‌شناسی و به طور کلی حوزه علوم اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داده‌اند.

پژوهش‌های فولکلوریک در کشور رومانی نیز سابقه‌ای دیرینه دارد. و مدت‌ها قبل از اواسط قرن نوزدهم که ب. پ. هاشدئو زبان‌شناس رومانیایی نخستین پرسش‌نامه‌ها را به روستاهای رومانی بفرستد محققان سرگرم گردآوری مواد فولکلوریک و تحقیق درباره‌ی آن بودند.

مطلب حاضر ترجمه‌ای است از نوشته‌ی اوید دنسوشیانو (۱۸۷۳-۱۹۳۸) زبان‌شناس و فولکلوریکست و مورخ رومانیایی و با اینکه سال‌ها از چاپ آن می‌گذرد و رومانی نیز دستخوش تغییراتی شده است، اما این مقاله به لحاظ نوع نگاه شیانو به فولکلور، فولکلور‌شناسان رومانی آن را به عنوان بیانیه تلقی می‌کنند. در این مقاله مؤلف سعی دارد با بررسی محتوایی فولکلور، راه اصلی را به محققان نشان دهد و آنان را به تحقیق در زندگی کنونی روستاییان هدایت کند.

فولکلور اصطلاحی است که نخستین بار توسط توماس W.J.Thomas انگلیسی (بانام مستعار آمبروزمرتون) در مجله‌ی *Athenaewm*، ۳-۱۸۶۲ به کار برده شد. وی در مقاله‌اش پیشنهاد جایگزینی اصطلاح فولکلور با ادبیات عامیانه را مطرح کرد. نسبت به این لغت، واکنش‌هایی نشان داده شد، به طور مثال نامتجانس بودن ترکیب آن. با اینکه این لغت در نهایت مورد پذیرش قرار گرفت. امروزه مفهومی که از آن مراد می‌شود با منظور نظر توماس متفاوت است. به نظر توماس، فولکلور گردآوری موادی از مردم در حوزه اشعار عامیانه، معتقدات و باورها و غیره است. اما امروزه مفاهیم دیگری را دربرمی‌گیرد و حوزه تخصص کسانی که در پی

گردآوری آثار عامیانه هستند را نیز شامل می‌شود. نقش عمده‌ی توماس تثبیت این اصطلاح بوده است. و بی‌شک بررسی‌ها و مطالعات وی و معاصرین او موضوع را به طور کامل و عام دربرنمی‌گیرد. مباحثی که در آن زمان میان فولکلور‌شناسان انگلیسی، فرانسوی و آلمانی درگرفت، بیشتر بر مدار توسعه‌ی تئوری فولکلور استوار شده بود، و این امر درک مشکلات آن را پاسخ نمی‌داد. عقاید پراکنده‌ی موجود در آن زمان ما را مجبور می‌کند تا درصد دادن تعریفی جدید از فولکلور برآییم. پژوهشگران انگلیسی، فولکلور را «علم سنن»^۱ نامیده، و به واسطه همین نامگذاری به پژوهش و گردآوری آثار رایج در (اشعار، سنت‌ها، افسانه‌ها، آداب و رسوم و باورها) میان مردم از دورزمان پرداختند.

در سال ۱۸۷۸ و تشکیل انجمن فولکلور در لندن، این نظریه اساس کار قرار گرفت. کسانی چون لانگ^۲ A.Lang، گوم^۳ G.L.Gomme و بورن^۴ Ch.S.Bourne از پیروان این نظریه محسوب می‌شوند.

اما در این میان نوت^۵ A.Nutt؛ فولکلور را نوعی مردم‌شناسی می‌دانست و بر آن بود که پژوهش‌های مرتبط با هنر و صنعت عامیانه و زبان در ارتباط با فولکلور است.

حتی در میان فولکلور‌شناسان آلمانی نیز این دیدگاه دیده می‌شود. در میان فولکلور‌شناسان فرانسوی می‌توان به سبیلو^۶ P.Sebillot و ژیتته^۷ A.Gittee اشاره کرد که معتقد بودند فولکلور نوعی پژوهش در سنن است،

پژوهشگران انگلیسی، فولکلور را «علم سنن» نامیده، و به واسطه همین نامگذاری به پژوهش و گردآوری آثار رایج در اشعار، سنت‌ها، افسانه‌ها، آداب و رسوم و باورها میان مردم از دورزمان پرداختند

نوعی نگاه مشابه با انگلیسی‌ها. در آلمان نیز وینهولد K.weinhold مقاله‌ای در سال ۱۸۹۱^۸ به طرح و برنامه‌ریزی وسیع در حوزه پژوهش‌های فولکلوریک دست زد.

وینهولد علاوه بر اینکه بر این باور بود که تحقیق در فولکلور نه تنها حوزه‌هایی چون قصه، شعر، آداب و رسوم و باورها را دربرمی‌گیرد، بلکه در زمینه‌های کار، مسکن و پوشاک، زبان و غیره نیز کاربرد وسیعی دارد.^۹ افرادی همچون هوفمان کرایر^{۱۰}، ر. کاینلد^{۱۱} و تعدادی دیگر عقاید وینهولد را پذیرفتند اما عده‌ای نیز چنین گستره‌ی وسیعی را برای فولکلور قائل نبودند، چنان‌چه ادیتیش^{۱۲} مباحث مربوط به هنر عامه و پوشاک روستایی را از حوزه بررسی فولکلور خارج کرد.

شاید این نگاه نسبت به فولکلور منطقی به نظر برسد و با عنایت به موقعیت رشته‌های مختلف موجود، ضروری نیز باشد. در واقع اگر انسان‌شناسی مطرح است، پس مباحث مربوط به هنر عامه و پوشاک و زبان را می‌توان مربوط به قوم‌نگاری و لهجه‌شناسی دانست و آن را از حوزه فولکلور خارج ساخت. البته پژوهشگر فولکلور بی‌نیاز از این گونه اطلاعات نیست اما فولکلور خود را در این گونه علوم غرق نمی‌کند و محقق این حوزه خود به جمع‌آوری این اطلاعات نمی‌پردازد. این گونه برداشت و نگاه به فولکلور در میان پیروان مکتب آلمان با مطالعات فعلی و مسیر حرکت این مطالعات سازگاری ندارد.

از طرفی آیا باور پژوهشگران انگلیسی و فرانسوی می‌تواند با آنچه از پژوهش فولکلوریک انتظار می‌رود، قانع‌کننده باشد. در اینجا ابتدا باید آنچه را که پژوهشگران فولکلور به ما ارائه داده و آنچه گفته می‌شود که باید از فولکلور انتظار داشت، مورد مقایسه قرار داد. همواره این معنا از فولکلور مراد شده است که فولکلور بیانی از احساس یک ملت، زندگی معنوی در همه‌ی زمینه‌ها و چگونگی تأثیر آن بر داده‌هایی است که از زمان‌های دور بر جای مانده است. این مطلب به آن معنا است که فولکلور باید ما را به سمت جنبه‌های

فولکلور، بیانی از احساس پژوهش در گذشته و حال

اویددنسوشیانو

ترجمه‌ی کاظم حمیدی

مقدمه

فرهنگ توده در مقابل واژه‌ی فولکلور انتخاب شده است. این واژه نخستین بار توسط ویلیام. جی. تامس W.J.Thomas باستان شناس انگلیسی در گذشته به سال ۱۸۸۵ م. وضع و آن را طی نامه‌ای با امضای مستعار آمبروز مرتون Ambrose merton در نشریه‌ی انجمن ادبی لندن در تاریخ ۲۲ اوت ۱۸۴۶ به چاپ رساند. در واقع فرهنگ توده مجموعه‌ای است شامل ادبیات شفاهی و بیشتر نامکتوب اقوام و ملل مختلف که ترانه‌ها، تصنیف‌ها و ضرب المثل‌ها و باورداشته‌های یک ملت و ناحیه را در بر می‌گیرد. قدمت ادبیات شفاهی همواره از ادبیات رسمی بیشتر بوده است و ریشه در تاریخ کهن ملت‌ها دارد و هر چه این سابقه بیشتر باشد فولکلوری غنی‌تر و مملو از روح ملی خواهد داشت.

وان ژنپ^۱ فولکلور را باورها و اعمال گروهی می‌داند که با موازین علمی و منطقی جامعه تطبیقی ندارد و انسجام آن بر حسب عادت، تقلید، هم‌چشمی و سرگرمی صورت می‌گیرد.

این واژه که از زبان انگلیسی وارد زبان فرانسه و برخی دیگر از کشورهای اروپایی شد، از سال ۱۳۰۶ به آثار فارسی نیز راه پیدا کرد و سپس به فرهنگ عامه، فرهنگ مردم و فرهنگ عامیانه یا عوام نیز ترجمه شد.

محمود روح الامینی معتقد است که مطالعه‌ی فولکلور بیشتر متکی بر مدارک کتابخانه‌ای و پیران طایفه است. در اوائل قرن بیستم در فرانسه، فولکلوریست، منحصرأ به کسی گفته می‌شد که دانش عامه را از خلال کتاب‌های تاریخی و سفرنامه‌های قرون گذشته جست‌وجو می‌کرد.^۲ البته وی معتقد است که دانش عامه و دانش توده ترجمه دقیق فولکلور است و معادل ساختن آن با فرهنگ مردم و فرهنگ عامه از نظر مفهوم (انسان حیوانی با فرهنگ است و اگر عمومیت نداشته باشد، اطلاق فرهنگ بر آن نادرست است، با خرده فرهنگ اشتباه نشود) نادرست و از نظر ترکیب حشو است.

بدیهی است که قلمرو فولکلور علاوه بر ادبیات شفاهی و آداب و رسوم و باورهای عامه، تمامی علوم، هنرها، تکنیک‌ها، صنایع توده‌ای مردم را نیز در بر می‌گیرد. امروزه شناخت فولکلور و به بیانی گردآوری و تدوین فرهنگ عامیانه گستره‌ی فراوانی یافته است و محققان، علاوه بر مطالعه‌ی قصه‌ها، ترانه‌ها، مثل‌ها، باورداشته‌های عامیانه و غیره حوزه‌ی خود را گسترش داده





می‌گیرد. مثلاً وضعیت طلسم و جادو پس از توسعه‌ی علم پزشکی. البته نه اینکه این انگیزه‌ها به کلی از میان بروند، چنانچه برخی از خرافات هنوز هم - حتی در میان اهل فرهنگ - نیز وجود دارند.

اما بخش دوم در موقعیت بهتری هستند. قصه‌ها هرگز فراموش نمی‌شوند، قصه‌های دیو و پری همچنان با کودکان همراه است. اشعار عامیانه نیز خواهند ماند اما بی‌شک تغییری در موضوعاتشان پدید خواهد آمد. اسطوره‌ها نیز همچنان زنده‌اند و اسطوره‌هایی نو نیز پدید می‌آید. البته این احتمال وجود دارد که فولکلور قدیمی دچار تغییراتی شود اما محو نمی‌شود.

با جمع‌آوری مواد جدید، فولکلورشناسان راه همواری را برای پژوهش‌ها ایجاد می‌کنند و حقایق جدید و رایج را از دست نمی‌دهند. هر دوره‌ای با ویژگی‌ها و جلوه‌های خاص خود از دوره و زمان دیگر متمایز می‌شود و فولکلورشناس با بررسی این جلوه‌ها، زمینه‌ی گسترده‌ای برای پژوهش خواهد داشت.

حال وقتی مجموعه‌ای با این روش در دسترس داشته باشیم، به سرچشمه منبعی از اطلاعات می‌رسیم که مواد آن پربارتر از قبل خواهد بود. تصویری کامل از مردم هر منطقه و زمان و مکان آنها خواهیم داشت و تحقیقات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مطمئن‌تری داریم. فیلولوژی یا فقه‌اللغه بهره‌ی فراوانی از فولکلور می‌برد.

کارگردآوری قصه و شعر و موارد دیگر به این معنی خواهد بود که برای پژوهشگر موادی - کم و یک جانبه - به لحاظ زبان‌شناسی ارائه گردد. دیده می‌شود که یک روستایی در بیشتر وقت‌ها در داستان گفتن یا شعر خواندن لغات یا جمله‌های به هم ریخته‌ای را به کار می‌برد که در محاوره‌ی عادی بر زبان جاری نمی‌کند.

زبان قصه و شعر در بیشتر موارد زبانی سنتی و قراردادی است. پس وقتی پژوهش خود را در زمینه‌ی نحوه برچین متن‌هایی قرار بدهیم، روش اشتباهی است. چرا که یک روستایی را باید از راه محاوره‌ی او با هم و لا یتی‌اش شناخت. بنابراین باید متن‌ها به روش جدید جمع‌آوری شوند. در رومانی زبان‌ها و لهجه‌ها را از طریق قصه‌های عامیانه و اشعار می‌توان شناخت. باید تفسیر دیگری از فولکلور داشت. باید راه جدیدی باز کرد و در این راه باید تغییر روش با وسایل کار مطابقت داشته باشد. باید در زمینه پژوهش فولکلور قاعده‌های جدیدی اجرا شود. امروزه دیگر زمان گردآوری مجموعه‌های بدون روش و بدون تمهیدات علمی نیست. باید از فقه‌اللغه که با فولکلور نقاط مشترکی دارد کمک گرفت و آن را در مسیر درست انداخت. فولکلور ضمیمه‌ای ساده از فولکلور نیست و با همه ارتباطی که با ادبیات و زبان‌شناسی دارد، به علمی چون روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیز نیاز دارد.

آنچه ما کادوای آوارز می‌گوید که، فولکلور بیشتر جنبه‌ی جامعه‌شناسی دارد، به این معنی است که فولکلور را با شرایط گسترش آن هماهنگ کنیم. فولکلور به کمک فقه‌اللغه نجات پیدا می‌کند.

امروزه تحقیق در مورد لهجه‌شناسی و پدیده‌های زبان‌شناسی نشان می‌دهد تحقیقات ادبی مبتنی بر ادبیات معاصر است، در حالی که در گذشته آثار بزرگ گذشتگان مورد توجه بود. باید در فولکلور این تفکرسوق داده شود که تنها گذشته را در نظر نگیرد. اما این به آن معنی نیست که از گذشته نظرمان را

برگردانیم. بلکه پژوهشگر باید هم در گذشته و هم در حال به تحقیق بپردازد. او نباید خود را به زمان و مکان محدود کند. ذهن باید میان گذشته و حال پلی بزند و کسانی را می‌توان دانشمند نامید که این حقیقت را یافته باشند. در غیر این صورت آنها همچون نیمه‌انسان‌های قصه‌ها نیمه باسوادند.

پانوشته‌ها:

- ۱ - بیهقی، حسینعلی. پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، تهران: آستان قدس رضوی، چاپ دوم، بهمن ۱۳۶۷، ص ۱۷.
- ۲ - آرنولد وان ژنپ Arnold Van Geneep، دانشمند فرانسوی که علاوه بر تحقیقات در حوزه فولکلور، به تحقیق در علم اساطیر و تاریخ ادیان هم پرداخته است. کتاب وی تحت عنوان مناسک و آداب گذر Les Rites de Passage مرجع معتبری در این زمینه به شمار می‌رود.
- ۳ - روح الامینی، محمود. گرد شهر با چراغ، انتشارات عطار، صص ۲۵۶ تا ۲۷۴.

- 4- Folk-Lore, London, 1899, P.3
- 5- The Folk-Lore Recored, II, 1879, P.I; Custom and Myth, London, 1884, P.II
- 6- The handbook of folklore, London, 1890, P.5
- 7- The Folk-lore Journal, III, 1885, P.14
- 8- The Folk-Lore Journal, III, 1885, P.103
- 9- The Folk-Lore Journal, II, 1884, P.312
- 10- P.sebillot, Revue d, anthropologie, 3, I, 1886, P.293 ; Revue des tradition popularis, Vol.II ; A.Gitee
- 11- Beitrage zur deutsch-bomischen Volkskunde, Praga, 1890, II, P.11
- 12- Die Volkskunde als Wissenschaft, zurich, 1902, P.5-7
- 13- Volkskunde, Leipzig, 1903, P.19-20



اگر بحث روان‌شناسی است، پس چگونه است که از این بخش زنده و زاینده – یعنی زندگی او - سخنی به میان نمی‌آید. در واقع محقق فولکلور بخش مهمی از زندگی معنوی چنین انسان‌های ساده‌ای را مورد توجه قرار نداده است. امروزه باید به تمامی چیزهایی که یک روستایی بر زبان می‌آورد و بیان می‌کند، قضاوت‌هایش در مورد وقایع اطراف خود و برداشتی که از وضعیت روزمره دارد پرداخت.

بنابراین در یک مجموعه‌ی فولکلور باید تمامی اطلاعات را درباره‌ی یک روستایی به دست آورد و به نوع تفکر و احساس او در کار یا اوقات فراغت یا جشن، درشادی و غم و در خانواده یا با دیگران دست یافت.

این گونه نگاه به مفهوم فولکلور من را به این سمت هدایت کرد که با همکاری کاندرا Candrea و اسپرانتیا Sperantia به گردآوری مجموعه زبان ما بپردازم.

کتاب بیان طرح مسائلی است برای کسانی که می‌خواهند با دنیای روستاییان آشنا شوند و به ثبت چیزهایی که باید ثبت شوند بپردازند. این برداشت و تفسیر از فولکلور، موجب می‌شود که هر شخصی بتواند از طریق آن اطلاعاتی تازه درباره‌ی زندگی و نحوه‌ی تفکر آنان به دست آورد. به سخن دیگر یک مجموعه‌ی فولکلور باید بتواند با ارائه‌ی اطلاعاتی مستقیم و دقیق از نحوه‌ی زندگی مردم، بسیاری از باورهای ما را تغییر دهد. ما عادت کرده‌ایم روستاییان را به گونه‌ای دیگر، و بر خلاف واقعیت موجودشان ببینیم و ویژگی‌هایی را به آنها نسبت دهیم که ابدآداری آن نیستند و گاه کار به جایی می‌رسد که تحت تأثیر تصوراتی نامفهوم مردم طبقه پایین را در حاله‌ای نورانی و جذاب تصویر می‌کنند. و با این نگاه، یک انسان ساده، به شکل موجودی با استعداد و دارای روحی که بذر تمامی افکار و احساسات خوب در آن به ودیعه گذاشته شده معرفی می‌شود.

اکنون باید بتوان با معیاری صحیح به قضاوت نشست و بدعت‌های فریبنده را به کناری نهاد. و فولکلور در این راه می‌تواند این قضاوت اشتباه در مورد روستاییان را اصلاح کند. در مورد کشور خودم، رومانی به نمونه‌هایی اشاره می‌کنم. به طور مثال در مورد عشقی که روستایی نسبت به میهن و نفرتی که از بیگانه دارد به کرات شنیده‌ایم اما اگر از نزدیک با آنان باشید شاید درباره عواطف و احساسات آنان دچار تردید شوید.

از طرفی گفته می‌شود که هجوم و نفوذ فزاینده‌ی فرهنگ شهری، فولکلورشناسان دیگر چیزی برای گردآوری نخواهند داشت. در این مورد نیاز به تأمل است. در فولکلور با دو بخش متمایز فرآورده‌های عامیانه روبه‌رو هستیم:

– بخشی که با زندگی عملی در ارتباط است همچون باورها، آداب و رسوم و خرافات

– بخشی که به ایده‌آل‌ها ارتباط پیدا می‌کند و در محدوده‌ی احساسات و فکر انسان قرار می‌گیرد و به نوعی بخش زندگی شاعرانه او را شکل می‌دهد شامل قصه‌ها، اسطوره‌ها، شعر و سونن.

بخش اول چون میراثی است از زندگی ابتدایی که بیشتر در خطر قرار

قصه و افسانه‌ای که تنها میان یک ملت رایج باشد، نشانگر وجه متمایز همان ملت خواهد بود، اما این عناصر اتفاقی نمی‌توانند مبنای نتیجه‌گیری‌های روشن و منطقی باشند

روان‌شناسی هدایت‌کننده و کسی که به دنبال جمع‌آوری اشعار و ترانه‌های عامیانه، قصه، باورها و غیره می‌باشد، سهم این مواد را در رسیدن به نتایج روان‌شناسی قومی مدنظر قرار دهد.

فولکلوریست‌ها، بر این اعتقادند که تقریباً به طور یکسان در میان همه ملت‌ها، به طور مثال قصه‌ها از عناصر مشابهی استفاده می‌کنند، با همان اعمال خیالی و همان

قهرمانان افسانه‌ای، همان بیان و همان تصویر. بیشتر قصه‌های سرزمین مان در میان مردم در دروزمان در هندوستان، مصر و یونان نیز رایج بوده است. اما آیا این مواد برای یک برداشت روان‌شناسانه و نتیجه‌گیری مطمئن و شناخت روح یک ملت کافی است و می‌تواند مفید باشد، اگر پاسخی مثبت داشته باشد، پس روان‌شناسی روستایی مان شبیه روان‌شناسی یونانیان باستان و مصریان قدیم خواهد بود. زیرا اگر انگیزه‌های عامیانه یکسان باشند، به طور تلویحی به شباهت کیفیت‌های معنوی نیز اشاره می‌کنند.

قصه و افسانه‌ای که تنها میان یک ملت رایج باشد، این امر نشانگر وجه متمایز همان ملت خواهد بود، اما این عناصر اتفاقی نمی‌توانند مبنای نتیجه‌گیری‌های روشن و منطقی باشند. اما در شعر عنصر روان‌شناسی می‌تواند وجه متمایز برخی از گروه‌های قومی را روشن‌تر نشان دهد. البته باید این موضوع را مدنظر قرار داد که برخی از اشعار همراه با آداب و رسوم در میان مردم باقی مانده است بی‌آنکه – حتی زمانی که خوانده می‌شوند - عینیت یافته باشند.

آیا با این مواد می‌توان از پژوهش‌های روان‌شناسی گفت، پژوهش‌هایی که در پی ارائه‌ی تصویری جامع از معنویت یک ملت است. تمامی مجموعه‌های عامیانه گردآوری شده تا به امروز را می‌توان به نوعی عاری از سودمندی دانست، زیرا نه فقط در ارتباط با روان‌شناسی کفایت نمی‌کند، بلکه سنتزی که بتواند این مجموعه هزاران جلدی را به قضاوت بگذارد و نشان دهد که فولکلور در مرحله‌ای است که در مسیر درستی گام برمی‌دارد، وجود ندارد.

فولکلوریست‌ها، زمانی که با مردم در آمیختند، این نکته‌ی مهم را دریافتند که انسان تنها با میراثی که به او رسیده زندگی نمی‌کند، بلکه چیزهایی نیز هر روز بر روح او افزوده می‌شود.

حال این سؤال مطرح می‌شود که یک ملت فقط و فقط با مجموعه‌ای از قصه‌ها، باورها، اشعار عامیانه و... که از دیرزمان به او رسیده‌اند به بیان احساس خود می‌پردازد و آیا یک روستایی متأثر از آنچه در گرداگرد او می‌گذرد نیست.